

کیهان

از معضلات فرهنگی در جامعه امروز، مشکل بدحجابی در میان گروهی از بانوان ما است. از مباحث مهم در این زمینه که اخیراً انعکاس بیشتری یافته و برخی از صفحات مجازی را نیز به خود اختصاص داده این است که چرا باید دولت و نظام اسلامی، در این مسئله دخالت کند و با متخلفان برخورد نماید؟

آیا بهتر نیست تصمیم در این مورد، به خود افراد محول شود و همان گونه که «نماز خواندن» و «روزه گرفتن» به انتخاب و اختیار اشخاص است و اگر کسی نماز نخواند یا روزه نگرفت، مورد سوال و تعرض قرار نمی‌گیرد، مسئله حجاب نیز چنین باشد؟

نوشتار حاضر در مقام پاسخگویی به این سوال است که اینک از نظر می‌گذرانید.

سه نکته اساسی

نکته نخست: از روایات به روشنی استفاده می‌شود توصیه اسلام به پوشش بانوان، از مصادیق تکريم و ارج نهادن به کرامت انسانی و اسلامی آنان است و تکريم بودن حکم حجاب نیز بر این مبنا است که پوشش، با فطرت زن، هماهنگ است و به ديگر سخن جوهر زن، عفاف و حیا است و از مظاهر این عفاف و حیا، پوشش است و از همین رو است که از قدیم در میان همه ملت‌های جهان به‌خصوص اقوام شمتن، حجاب برای زنان، کم و بیش وجود داشته است و نمی‌توان آن را از احکام ابدیای و تاسیسات اسلام دانست.

براساس همین مبنا می‌توان گفت: بدحجابی یا بی‌حجابی برخی افراد، به نوعی، تجاوز به حقوق دیگران است و از باب حق‌الناس است زیرا هر گونه رفتار که حسب و حیا و عفاف جامعه را خدشهدار نماید، ضربه‌ای است که به آرامش، سلامت و امنیت اجتماعی فرود می‌آید و موجب می‌شود بسیاری از مردان و پسران به دام فساد و فحشا افتند و این‌گونه زنان نیز ممکن است به دام مردانی بیفکنند که به تعبیر قرآن از مصادیق الذی فی قلبه مرض هستند(احزاب/۳۲)

نکته دوم: بحث حجاب و ضرورت پوشش مناسب، اختصاصی به بانوان ندارد، بلکه گستره آن مردان را هم شامل می‌شود.

تحقق ارزش حجاب خواسته اکثریت بانوان جامعه ما است و التزام عملی آن مستلزم عدم انفعال متولیان فرهنگی و برنامه‌ریزی و ایجاد ساز و کارهای اجرایی مناسب در این زمینه است.

نکته سوم: به‌طور کلی می‌توان زنان جامعه ایرانی را به لحاظ میزان التزام به پوشش، به سه دسته متمایز تقسیم کرد:

۱- بانوان متدین و مقید به حجاب، بسیاری از بانوان، در شمار این دسته‌اند که به علت نداشتن انگیزه

خودنمایی و تبرج، نمود و بروز کمتری دارند.

۲- بانوان غافل و کم‌توجه به احکام و موازین اسلامی، می‌توان گفت بیشتر زنان و دخترانی که در معیار و اماکن عمومی با پوشش ناقص ظاهر می‌شوند و ما آنان را «بدحجاب» می‌دانیم، کسانی‌اند که از حدود و نفوذ حجاب اسلامی و ارزش و اهمیت آن، آگاهی کافی ندارند یا تحت تاثیر جو قرار گرفته‌اند و قبح بدحجابی را فراموش کرده‌اند. این‌گونه افراد، هیچ‌گونه تعمد و غرض‌ورزی ندارند و با آراشه و کار فرهنگی مناسب، می‌توان رفتارشان را تغییر داد.

۳- زنان و دخترانی که باید آنان را تابلوهای بدحجابی و ماکن‌های متحرک دانست که با رفتارهای نامأنوس و غیرمتعارف خود، در خدمت فرهنگ بیگانه قرار دارند و ناسندسته یا ناندانسته به احکام و ارزش‌های اسلامی و ملی، دهن کجی می‌کنند. بی‌گمان این دسته، با ویژگی‌های یاد شده، در اقلیت قرار دارند و بدیهی است دستگانه‌های فرهنگی کشور، باید برای هر یک از این گروه‌ها، کارشناسانه و به نحوی خاص، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کنند.

فرشتگان الهی او را لعنت می‌کنند و خداوند برای وی، عذابی دردناک فراهم نموده است. (نوری، مستدرک الوسائل؛ ج ۱۴، ص ۱۴)

۴- براساس نقل کلینی، امیرالمومنین(ع) فرمود: یا متخلفان نیتن آن نسأوکم بیدافن الرجال فی الطریق اما تستخینون؟ ای مردم عراق! به من خبر رسیده زاننان که راه با مردان آشانه به شانه راه می‌روند! با هم برخورد می‌کنند، شرم نمی‌کنید؟! کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۳۶)
۵- نیز براساس نقل وی، علی(ع) فرمود: اما تستخینون ولا تفارون. نسأوکم یخرجن الی الاسواق و یزاحمن العلوچ! یا شرم نمی‌کنید و غیرت ندارید که

پس از بیان این سه نکته مهم، وارد اصل می‌شویم و آن اینکه آیا پوشش به‌خصوص پوشش بانوان، مسئله‌ای است که حکومت و احکام مربوط به آن در همین محدوده، مفهوم و مورد پیدا می‌کند و در نتیجه دولت، حق مداخله در آن را ندارد؟

برخی به این پرسش، پاسخ مثبت می‌دهند و می‌گویند: حجاب امری خصوصی و شخصی است و ورود به حریم خصوصی افراد، نه تنها مطلوب نیست، بلکه جرم و گناه است و بدون اجازه جایز نیست. (رک: مجله پیام زن، شماره ۱۸۴ و ۱۸۵، ص ۱۸)

از استدلال بر سخن خود می‌گویند: در مورد حجاب، نه تنها شواهدی مبنی بر حکومتی بودن آن وجود ندارد بلکه مواردی در تاریخ شیعه وجود ندارد که زنی به دلیل رعایت نکردن حجاب مجازات شده باشد، هر جا امری مجازات داشته در کتب روایی جزء به جزء آن ذکر شده است. اما در مورد حجاب، نه تنها روایاتی در این زمینه نداریم بلکه احادیث زیادی وجود دارد که الزام زنان به رعایت حجاب و تقصیر آنان را به گردن شوهرانشان می‌گذارد نه حکومت، احکام مربوط به حجاب هم مثل نماز و روزه و نه مثل احکام حقوقی، فاقد ضمانت اجرای اجتماعی است.(همان، ص ۲۳)

باید در پاسخ گفت: این واقعیت جای انکار نیست که پیامبر گرامی اسلام (ص) و برخی از امامان معصوم علیهم السلام در این زمینه و حتی گاه در مورد وضعیت آقایان، رهنمودها و گاه برخوردها و توبیخ‌هایی داشته‌اند. آنچه در ذیل می‌آید، نمونه‌هایی از این موارد است:

۱- نوشته‌اند در حجه‌السوابع، زنی جوان و زیبا و طایفه ختمم برای پرسیدن مسئله‌ای به حضور پیامبر(ص) رسید و در آن حال، فضل‌بن عباس، پسر عموی حضرت، پشت سر ایشان سوار بود. نگاه‌های میان آن زن و فضل رد و بدل شد، پیامبر متوجه شد که آن دو به هم خیره شده‌اند و زن جوان، به جای آنکه توجهش به حجاب مسئله باشد، همه توجهش به فضل است که جوانی نوسر و زیبا پوش، از این رو ریسول اکرم(ص) با دست خود، صورت فضل را چرخانید و فرمود: زنی جوان و مردی جوان، می‌ترسم شیطان در میان ایشان پای نهد. (رک: بخاری، الصحيح، ج ۷، ص ۱۷۶)

۲- در ذیل آیه قل للمؤمنین بیضا من ابصارهم...

(سور۳/۳) به نقل از ام‌سلمه آمده که وی گفت من و معینوه در خدمت پیامبر(ص) بودیم که این‌ام‌کم‌کومه مردی ناپیدا بود! آمد و این، پس از آن بود که ما دستور یافته بودیم حجاب را رعایت کنیم، پیامبر به ما فرمود: به حجاب درآیید ما عرض کردیم: مگر نه اینکه او ناپیدا است و ما را نمی‌بیند؟ حضرت فرمود: یا شما هم ناپیدا هستید! و او را نمی‌بینید؟ (طبرسی، جامع‌الجامع، ج ۲، ص ۶۱۶)

۳- پیامبر(ص) خطاب به حوله‌ا که زنی طغر فروش بود،آفرمود: حوله!ا زینت را برای غیرشوهرت آشکار مساز. حوله!ا برای هیچ زنی حلال نیست مع و یایش را برای غیرهمسرت آشکار نمایند و اگر چنین کرد پیوسته شیطان لرزش و خشم و غضب الهی است و

معارف Maaref@kayhan.ir

در حیطه وظایف فردی قرار می‌گیرد و هم در ارتباط مستقیم با دولت و نظام اسلامی است. از این رو در اصل هشتم قانون اساسی آمده است:

«صوت به خیر، امر به معروف و نهیی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت» خود از فضل بن شاذان نقل می‌کند. وی از امام رضاع(ع) از فلسفه حکومت و ضرورت وجود حاکم می‌پرسد و حضرت می‌فرماید: چون مردم، در محدوده‌ای مشخص، محدود شده‌اند و فرمان یافته‌اند از آن چارچوب ن‌گذرند زیرا موجب فساد و تباهی آنان می‌گردد، این امر، ثابت و

این آیه هرچه بی تردید شامل افراد می‌شود ولی با توجه به اینکه در آن از «تمکین فی الارض» سخن به میان آمده و این تعبیر، با تشکیل حکومت تناسب بیشتری دارد، شاید بتوان گفت مصداق اتم و قطعی آیه حرمی حکومت و دولت اسلامی است، چنانکه همین معنا از برخی روایات نیز قابل برداشت است مانند روایاتی که بر طبق آن، مسعده بن صدقه از امام صادق (ع) درباره امر به معروف و نهیی از منکر پرسید که آیا بر همه امت واجب است؟ حضرت فرمود: خیر. گفته شد: چرا؟! فرمود: اما هو علی القوی المطاع العالم با لمعروف من المنکر لا علی الضعیف الذی لا یهتدی سیلا.

حجاب؛ حریم خصوصی یا عمومی؟

■ **علی اکبر کلانتری**



زنانتن به بازآرها می‌روند و با مردان بی‌دین برخورد می‌کنند؟! (کلینی، همان، ص ۵۲۷)

۶- از امام صادق(ع) نقل است که فرمود: درست نیست زن مسلمان روسری و پیرهنی به تن کند که بدنش را نپوشاند. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۳۸۸)

این روایات که تنها بخش اندکی از روایاتی است که در این زمینه وارد شده به خوبی نشان می‌دهد پیامبر(ص) و امام علی(ع) به عنوان حاکمان جامعه اسلامی، نسبت به مسئله حجاب اهتمام داشته و با بدحجابی برخورد نموده‌اند.

حکومتی بودن مسئله حجاب از منظر فقه
اما در این رابطه آن چه مهم‌تر به نظر می‌رسد آشنایی با دلایلی است که می‌توان از نگاه فقه بر حکومتی بودن مسئله حجاب ارائه داد. در این زمینه دست کم، چهار دلیل ذیل قابل طرح است:

دلیل نخست: می‌توان در یک نگاه فرابگیر، مجموعه احکام اسلامی را به دو دسته زیر تقسیم نمود:

الف) احکام فردی مانند احکام مربوط به نماز، روزه، خوراک، پوشاک، مسکن ... و این احکام، صرفا با فرد و عملکرد او در ارتباط است. هر چند ممکن است آثار و برون‌رئی اجتماعی نیز داشته باشند. برای مثال، از جامعه‌ای که نماز برپا داشته می‌شود، فحشا و بزه‌کاری کمتری به چشم می‌خورد که ان الصلاة تنهی عن الفحشاء و المنکر (عنکبوت/۴۵)

ب) احکام اجتماعی مانند وجوب دفاع، جهاد، امر به

*** بر اساس فقه اسلامی، ارتکاب پاره‌ای از گناهان توسط افراد، موجب اجرای حدود الهی بر آنان توسط حکومت می‌شود. شمار و عنوان بن این گناهان روشن است ولی از نگاه فقهیا، حاکم اسلامی می‌تواند مرتکبان گناهانی که برای آنها، حد شرعی معین و تعریف نشده است را «تعزیر» نماید.**

۲- در صورت تحقق و تثبیت حکومت اسلامی، از وظایف مهم و کلیدی آن، تلاش در جهت به بار نشاندن احکام و شعائر اکرم(ص) و مبارزه با زمینه‌ها و مظاهر فساد و تباهی در قالب سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های متنوع از جمله امر به معروف و نهی از منکر در همه زمینه‌ها است.

معروف و نهی از منکر، اجزای حدود و تعزیرات، ازدواج، طلاق، احکام مربوط به اداره جامعه و کشورداری و به طور کلی احکامی که در بستر جامعه و در تعامل افراد با یکدیگر، نمود پیدا می‌کنند و موضوعیت می‌یابند. بی‌تردید احکام مربوط به دفاع، جهاد، امر به معروف و نهیی از منکر، کشورداری و چگونگی تعامل دولت اسلامی با بیگانگان در این قسم جای می‌گیرد. البته ممکن است برخی احکام از مصادیق هر دو قسم باشند. برای مثال امر به معروف و نهی از منکر، هم



هزینه‌ها می‌بایست به گونه‌ای انجام گیرد که کار به مشکل مطلوب تحقیق یابد. پس همان اندازه که کاهش هزینه‌ها به میزانی که به کار صدمه زند ناروا و نادرست است، همچنین اسراف و تبذیر نیز عاملی است که انسان در کارها با شکست مواجه می‌شود. کسی که بیش از اندازه لازم در کاری هزینه کند، یا سودی اندک خواهد کرد یا سرمایه خود را از دست می‌دهد بی آنکه بهرهای نصیب او شود.

انسان باید در همه ابعاد زندگی خویش، اصل قناعت در مصرف را در نظر گیرد. قناعت به معنای استفاده درست و بهینه و به میزان لازم و ضروری از هر چیز است. اگر بدن انسان به میزان فلان کاری و توان برای کار نیاز دارد، نباید بیش از آن، کاری برساند؛ زیرا زیادت آن جز انباشت بی فایده و بلکه تبذیر است. در مواردی که نیاز به یک ابزار عملی وجود دارد، باید مرعات شود؛ زیرا هزینه زیاد و غیر لازم نیز تبذیر و اسراف است. از همین رو در آیات قرآنی از هر گونه اسراف و اسراف در عهده خداوند یاد شده است؛ زیرا عامل مهمی و در ناگامی و عدم موفقیت انسان در زندگی می‌شود و مشکلاتی را برای خود و دیگران بیار می‌آورد. (اسراء، آیه ۲۷؛ انعام، آیه ۱۴۱؛ اعراف، آیه ۳۱)

۳- کم عمری غریب است: حوادث: از دیگر عوامل شکست عدم رعایت گسبگیری از حوادث و رخدادهایی است که در زندگی دیگران یا خود فرد اتفاق افتاده است. انسان نه تنها باید از اشتباهات و خطاهای خود درس گیرد و از یک سوراخ دوبار گزیده نشود، بلکه از اشتباهات و خطاهای دیگران، درس بگیرد و همان راه را نرود. البته بسیاری از مردم همانند کودکان و نوجوانان تا خود نیازمندی عبرت نمی‌گیرند؛ زیرا بر این باورند که آنان انسانی دیگر هستند و علت عدم موفقیت و ناکامی دیگران و شکست و بدبختی آنان، امور دیگر بوده است. آنان می‌خواهند تجربه شده را دوبار تجربه کرده و بیازمند.

نیز درس گیرد و همان راه را نرود. البته بسیاری از مردم همانند کودکان و نوجوانان تا خود نیازمندی عبرت نمی‌گیرند؛ زیرا بر این باورند که آنان انسانی دیگر هستند و علت عدم موفقیت و ناکامی دیگران و شکست و بدبختی آنان، امور دیگر بوده است. آنان می‌خواهند تجربه شده را دوبار تجربه کرده و بیازمند.

صفحه معارف روزهای:

۶ صفحه

پنج‌شنبه ۳۰ بهمن ۱۳۹۳

۲۹ ربیع الثانی ۱۴۳۶ – شماره ۲۱۰۰۰

مسئله پوشش و حجاب و کم و کیف آن باید بدون توجه باشد؛ زیرا هرچه این امر ممکن است در نگاه بدوی و فی نفسه، مساله‌ای جزئی و غیر مهم به نظر آید، ولی گاه همین مسئله، صیغه فرهنگی و ملی به خود می‌گیرد و در عرصه تهاجم فرهنگی، مورد سوء استفاده دشمنان واقع می‌شود؛ ازجایی که ممکن است مسلمانان، ناآشنا به در زمین دشمن بازی کنند. چنانکه براساس نقل شیخ صدوق، امام صادق (ع) فرمود: خاوند عزوجل، به یکی از پیامبرانش وحی فرمود: به مومنان بگو! پوشش دشمنان مرا نپوشاند؛ از خوردنی‌های آنان نخورند و راهبهای ایشان را نپیمایند که در این صورت، همانند آنان، دشمنان من خواهند شد. (صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۵۲)

و ضرورت دخالت دولت در این عرصه، بیشتر بدان جهت است که اگر این مهم، صرفا به آحاد جامعه واگذار شود و از نقش قانون گذاری و نظارت و حتی جایگاه اجرایی دولت غافل شویم، شاهد هرج و مرج و برخوردهای سلیقه‌ای برخی از یک سو و افراط و تفریط برخی از سوی دیگر خواهیم بود.

دلیل چهارم: مسئولیت اجرای تعزیر
چنانکه می‌دانیم براساس فقه اسلامی، ارتکاب پاره‌ای از گناهان توسط افراد، موجب اجرای حدود الهی بر آنان ازبوسط حکومت می‌شود. شمار و عنوان این گناهان روشن است ولی از نگاه فقهیا، حاکم اسلامی می‌تواند مرتکبان گناهانی که برای آنها، حد شرعی معین و تعریف نشده است را «تعزیر» نماید. شیخ طوسی می‌نویسد: کل من اتی معصیبه لا یجب بها الحد الفه بعز. هر کس گناهی انجام دهد که موجب حد نمی‌شود، مستحق تعزیر خواهد بود. (طوسی، المبعوطه، ج ۸، ص ۶۹)

علاوه حلی نیز می‌نویسد: کل من فعل محرما او ترک واجب کان للامام تعزیره. هر کس حرامی را انجام دهد یا واجبی را ترک کند، امام می‌تواند او را را تعزیر نماید. (علامه حلی، قواعدالحکام، ج ۳، ص ۵۴۸)

مشابه همین سخن، در عبارات بسیاری دیگر از فقهیا از جمله فخرالمحققین، شهید ثانی، کاشف اللام و صاحب جواهر نیز آمده است. (رک: ایضاح الفوائد، ج ۴، ص ۵۰۸) صاحب مدارک نیز همین گونه فتوا می‌دهد (علمی، مدارک الاحکام، ج ۱، ص ۸۵)

و محقق اردبیلی در محدث روزه می‌نویسد اگر کسی از روی عدم روزه نگیرد، بر حاکم واجب است، به نحوی که مصلحت می‌بیند او را تعزیر نماید. (طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۴۹)

و مستند ابن مینا نیز روایاتی است که در این زمینه وارد شده است. در یکی از این روایات می‌خوانیم پیامبر (ص) پس از ارتکاب گناه توسط یکی از مسلمانان، اجرای حد بر او فرمود: من اصاب من هذه الذلوات شینا فلیست عنا بسترالله فانه من یدئی لنا صفحهته انجم علیه حدالله. هر کس یکی از این کارهای اوله را انجام دهد، آن را با کمک پوشش الهی، از ما بپوشاند؛ زیرا کسی که بر برابر ما رو بنگشاید او گناه خود را آشکار نماید! حد الهی متوجه او خواهد شد. (احسای، عوامل اللئی، ج ۳، ص ۴۴۱)

و در روایاتی عام می‌خوانیم: ان الله جعل لکل شیء حسدا و جعل علیه علیا بدل علیه و جعل علی کل من تعدی ذلک الحد حد. خداوند برای هر چیزی، حد و اندازه‌ای و برای آن حد و اندازه، دلیلی قرار داد و بر هر کسی که از آن اندازه تعدی نماید، حد او یکگیری! آفرار کرد. (طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۱۰۰)

*** انسان نمی‌تواند سوء تدبیر و سوء مدیریت خویش را به خدا و روزگار نسبت دهدو ناکامی و عدم توفیق را بر گردن دیگری اندازد و مشیت خدا را عامل ناکامی قلمداد کند؛ زیرا خداوند راه‌هایی را برای بهره‌بندی از علم و قدرت الهی برای بشر قرار داده که می‌تواند از آنها بهره‌مند شود.**

نیز درس گیرد و همان راه را نرود. البته بسیاری از مردم همانند کودکان و نوجوانان تا خود نیازمندی عبرت نمی‌گیرند؛ زیرا بر این باورند که آنان انسانی دیگر هستند و علت عدم موفقیت و ناکامی دیگران و شکست و بدبختی آنان، امور دیگر بوده است. آنان می‌خواهند تجربه شده را دوبار تجربه کرده و بیازمند.

نیز درس گیرد و همان راه را نرود. البته بسیاری از مردم همانند کودکان و نوجوانان تا خود نیازمندی عبرت نمی‌گیرند؛ زیرا بر این باورند که آنان انسانی دیگر هستند و علت عدم موفقیت و ناکامی دیگران و شکست و بدبختی آنان، امور دیگر بوده است. آنان می‌خواهند تجربه شده را دوبار تجربه کرده و بیازمند.

نیز درس گیرد و همان راه را نرود. البته بسیاری از مردم همانند کودکان و نوجوانان تا خود نیازمندی عبرت نمی‌گیرند؛ زیرا بر این باورند که آنان انسانی دیگر هستند و علت عدم موفقیت و ناکامی دیگران و شکست و بدبختی آنان، امور دیگر بوده است. آنان می‌خواهند تجربه شده را دوبار تجربه کرده و بیازمند.

نیز درس گیرد و همان راه را نرود. البته بسیاری از مردم همانند کودکان و نوجوانان تا خود نیازمندی عبرت نمی‌گیرند؛ زیرا بر این باورند که آنان انسانی دیگر هستند و علت عدم موفقیت و ناکامی دیگران و شکست و بدبختی آنان، امور دیگر بوده است. آنان می‌خواهند تجربه شده را دوبار تجربه کرده و بیازمند.

نیز درس گیرد و همان راه را نرود. البته بسیاری از مردم همانند کودکان و نوجوانان تا خود نیازمندی عبرت نمی‌گیرند؛ زیرا بر این باورند که آنان انسانی دیگر هستند و علت عدم موفقیت و ناکامی دیگران و شکست و بدبختی آنان، امور دیگر بوده است. آنان می‌خواهند تجربه شده را دوبار تجربه کرده و بیازمند.

نیز درس گیرد و همان راه را نرود. البته بسیاری از مردم همانند کودکان و نوجوانان تا خود نیازمندی عبرت نمی‌گیرند؛ زیرا بر این باورند که آنان انسانی دیگر هستند و علت عدم موفقیت و ناکامی دیگران و شکست و بدبختی آنان، امور دیگر بوده است. آنان می‌خواهند تجربه شده را دوبار تجربه کرده و بیازمند.

نیز درس گیرد و همان راه را نرود. البته بسیاری از مردم همانند کودکان و نوجوانان تا خود نیازمندی عبرت نمی‌گیرند؛ زیرا بر این باورند که آنان انسانی دیگر هستند و علت عدم موفقیت و ناکامی دیگران و شکست و بدبختی آنان، امور دیگر بوده است. آنان می‌خواهند تجربه شده را دوبار تجربه کرده و بیازمند.

نیز درس گیرد و همان راه را نرود. البته بسیاری از مردم همانند کودکان و نوجوانان تا خود نیازمندی عبرت نمی‌گیرند؛ زیرا بر این باورند که آنان انسانی دیگر هستند و علت عدم موفقیت و ناکامی دیگران و شکست و بدبختی آنان، امور دیگر بوده است. آنان می‌خواهند تجربه شده را دوبار تجربه کرده و بیازمند.

عوامل کامیابی و ناکامی

■ **داود سلطانی**

به همه چیز عالم شده و از راه تقوا به دانش و علم لدنی و شهودی دستت یابد و به همه حقایق بینا گردد و توانایی انجام هر کاری را پیدا کند و راه‌های برون‌رفت از مشکلات را بیابد. (بقره، آیه ۲۸۲؛ انفال، آیه ۲۹؛ طلاق، آیات ۲ و ۳)

۲- تلاش نامکی بشر از نگاه امیرمومنان(ع)

بسیاری از مردم ناکامی‌ها و عدم موفقیت‌های خود در زندگی و کارها را به روزگار نسبت می‌دهند و اگر اهل اسلام و ایمان باشند، به گردن خدا انداخته و مشیت و اراده الهی را موجب ناکامی و عدم توفیق می‌دانند. البته این سخن از یک جهت درست و از یک جهت نارواست؛ زیرا خود انسان است که موجب می‌شود که مشیت و اراده الهی به عدم توفیق تعلق گیرد. ناکامی را برای انسان رقم زند. خداوند در آیاتی از قرآن مانند آیه ۱۶ سوره سبأ می‌کند که انسان نقش بسیار مهمی در سرنوشت و تقدیرات خود دارد. از آیه ۹۶ سوره اعراف به دست می‌آید که این انسان است که با بی‌تقوایی موجب کاهش نزولات آسمانی و بی‌برکتی در زندگی‌اش می‌شود.

به سخن دیگر، هر انسان و جامعه‌ای مقدراتی دارد که بر اساس مشیت و اراده الهی رقم می‌خورد،

*** خداوند در آیاتی از قرآن مانند آیه ۱۶ سوره رعد بیان می‌کند که انسان نقش بسیار مهمی در سرنوشت و تقدیرات خود دارد. از آیه ۹۶ سوره اعراف به دست می‌آید که این انسان است که با بی‌تقوایی موجب کاهش نزولات آسمانی و بی‌برکتی در زندگی‌اش می‌شود.**

ولی باید توجه داشت که حتی مقدراتی که در ام‌الکتاب نگاشته شده و بر اساس آن خیر و شر نصیب بشر می‌شود (حدید، آیات ۲۲ و ۲۳) قابل تغییر است؛ زیرا انسان با اعمالی چون دعا و عبادت و توسل و شفاعت و مانند آنها می‌تواند مقدرات را به عنایت الهی تغییر دهد و سرنوشت وی به گونه‌ای دیگر رقم بخورد. خداوند در آیه ۲۹ سوره رعد که در ادامه آیه ۱۶ سوره بیان می‌شود، توضیح می‌دهد که ام‌الکتاب در نزد خداوند است و اوست که می‌تواند محتوای آن را محو و اثبات کند. به این معنا که مقدراتی که رقم می‌خورد حاکم بر خدا نمی‌شود، بلکه خداوند همچنان حاکم بر مقدرات است؛ چنانکه آن چیزی که به عنوان واجب بر خدا می‌دانیم و می‌شناسیم به معنای واجب از اوست و نه واجب بر او.

در روایات و ادعیه ماثور معتبر بیان شده که می‌توان مقدرات را تغییر داد و مشیت و اراده دیگری از خداوند جایگزین مشیت و اراده پیشین شود. در عمل سخت‌شکیا، فاجعلتی کنیدا؛ فانک تمحوا فم ا تشاه و تبیت و عتدک ام‌الکتبا؛ و اگر در نزدت در ام‌الکتاب بدبختی و تبیت و عتدک پس مرا خوشبخت قرار



گناه؛ فروش آخرت به دنیا
روی عن علی امیرالمؤمنین(ع) قال: ایاک و المعصیه فان الشقی من باع جنه الماوی بمعصیه دنیه من معاصی الدنیا^(۱)

ترجمه حدیث: از گناه بهره‌بر، چون بدبخت و شقی کسی است که بهشت جاودانه را به گناه پستی از گناهان دنیا بفروشد.

من الشقاء ان یصون المرء دنیا بدین^(۲)

از بدبختی و شقاوت این است که شخصی دنیای خود را به وسیله دین خود حفظ کند. شرح: انسان‌هایی که بدبختی و خوشبختی را از دید مادی و دنیایی نگاه می‌کنند، آن را به داشتن مال، مقام، زیبایی، سلامتی، شهرت، علم، همسر، فرزند و... می‌دانند. در صورتی که هیچکدام از آنها به‌طور مستقل و به تنهایی باعث خوشبختی و بدبختی کسی نمی‌شود. بلکه همه اینها از نعمت‌های الهی هستند و با استفاده درست و صحیح آن، انسان خوشبخت و در دنیا و آخرت می‌شود. اگر با استفاده نادرست از این نعمت‌ها آن را در مسیر غیرالاهی و نامشروع مصرف کرد، بدبخت دنیا و آخرت نشده و دین خود را به بهای اندک و زودگذر دنیا فروخته است.

مقایسه دنیا و آخرت را کسی می‌کند که

به حقیقت دنیا، بزرخ، قیامت، بهشت و جهنم آگاهی دارد و بر طبق فرمایش خود مولا، ایشان به راه‌های آسمانی آشناتر از راه‌های زمینی می‌باشد.

حضرت علی(ع) مלאک سعادت و خوشبختی را فقط در رسیدن به آخرت نیکو در بهشت و رضوان الهی می‌داند؛ زیرا همه چیز دنیا در نظر ایشان پست و کوچک است. هر معصیت و گناهی، فروش آخرت است به دنیا و بدبختی از دید معصوم کسی است که دنیای گذرا را می‌گیرد و بهشت جاودانه را رها می‌کند. با این مقایسه انسان گناهکار در زمان انجام گناه فاقد ثقل است. انسان معقول و معتقد چنین معامله‌ای نمی‌کند، بلکه این از شقاوت و بدبختی دنیاداران می‌باشد. در نظر انسان‌های الهی هر نعمتی در دنیا غیر از نعمت بهشت کوچک، پست و حقیر است و هر بلایی به غیر از پالی هولناک جهنم برای آنها عذاب است. انسانی خوشبخت است که دین خود را فقط کند نه مال، مقام، خانه و... و اگر به دین که سلامت بوده است، انسان، خوشبخت است؛ زیرا به دین خود لطمه زدی بدان که بدبخت خواهی بود.

* پیگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله شیخ مجتبی

۱- غرالحکم، صفحه ۱۸۵،روایت ۲۵۲۴

۲- همان، صفحه ۱۳۰، روایت ۲۳۳۰

تهران(۹)